بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[آیه نفی اکراه 1](#_Toc427996026)

[مناقشه در احتمال فوق 1](#_Toc427996027)

[دفع احتمال فقهی بودن آیه 2](#_Toc427996028)

[آیات در باب جهاد 2](#_Toc427996029)

[تنقیح بحث 3](#_Toc427996030)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc427996031)

[احتمال سوم 3](#_Toc427996032)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc427996033)

# آیه نفی اکراه

احتمال دیگری که می‌توان در قبال آیه مطرح نمود این است که؛ آیه می‌گوید در حقیقت به خاطر رشد از غی نیازی به‌اکراه در دین نیست نه اینکه از باب امر باشد که اکراه نکنید. یعنی معتقدات دینی چنان واضح است که نیازی به‌اکراه ندارد.

# مناقشه در احتمال فوق

البته در این احتمال جای چند مناقشه وجود دارد که اولاً شأن نزول‌های واردشده در قبال این آیه ظهور در حالت الزامی دارد که آن‌ها می‌خواستند بازور آن فرزندان را نگه‌دارند که حضرت فرمودند آن‌ها را رها کنید. علاوه بر اینکه بنا بر احتمال شما لازم است قیودی به آیه اضافه شود. چراکه وقتی شما چنین معنایی را برای آیه قرار می‌دهید که برای افراد متعارف و سالم نیازی به‌اکراه نیست این قیود نیازمند مؤونه در قبال آیه است و خود امری خلاف ظاهر به‌حساب می‌آید.

# دفع احتمال فقهی بودن آیه

اگر کسی در مورد آیه این تلقی را داشته باشد که آیه درصدد بیان حکمی فقهی است که نباید بر دین اکراه روا دارید، تکلیف آیاتی که در سوره برائت همانند؛

**«قاتِلُوا الَّذِینَ لا یؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لا بِالْیوْمِ الْآخِرِ وَ لا یحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا یدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکتابَ حَتَّی یعْطُوا الْجِزْیةَ عَنْ یدٍ وَ هُمْ صاغِرُون»[[1]](#footnote-1)**

**«وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکین»[[2]](#footnote-2)**

نقل‌شده است چه می‌شود؟ چراکه از طرفی آیات متعدد درباره دعوت به جهاد وجود دارد و از طرفی نیز این آیه شریفه نفی اکراه می‌کند؟ تا جایی که آیات گروه اول امر به قتال ابتدایی می‌دهند همانند این آیه شریفه که؛

**«فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِکینَ حَیثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ کلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ فَخَلُّوا سَبِیلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیم»[[3]](#footnote-3)**

این آیات جهاد ابتدایی است.

## آیات در باب جهاد

در باب جهاد آیات مختلفی وجود دارد، برخی از آن‌ها به موارد اخذ جزیه از اهل کتاب اشاره دارد که؛

**«مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکتابَ حَتَّی یعْطُوا الْجِزْیةَ عَنْ یدٍ وَ هُمْ صاغِرُون»[[4]](#footnote-4)**

البته این حکم مربوط به اهل کتاب است و غیر اهل کتاب حکم متفاوتی دارند. برخی از آیات به بستن عهدنامه با آن‌ها اشاره دارند؛

**«إِلَّا الَّذِینَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکینَ، ثُمَّ لَمْ ینْقُصُوکمْ شَیئاً وَ لَمْ یظاهِرُوا عَلَیکمْ أَحَداً فَأَتِمُّوا إِلَیهِمْ عَهْدَهُمْ إِلی مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ یحِبُّ الْمُتَّقِین»[[5]](#footnote-5)**

برخی از آیات دیگر نیز اشاره به‌حکم امان دادن آن‌ها دارد؛

**«وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ اسْتَجارَک فَأَجِرْهُ حَتَّی یسْمَعَ کلامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذلِک بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یعْلَمُون»[[6]](#footnote-6)**

البته دراین‌بین آیات دیگری نیز وجود دارد که در راستای آیه موردبحث بیان‌شده است؛

**«لَکمْ دِینُکمْ وَ لِی دِین»[[7]](#footnote-7)**

## تنقیح بحث

جوابی که از گذشته تاکنون به این سؤال داده‌شده و همانند ابن عباس نیز این نظریه را داشته‌اند، این بوده که در اینجا نسخ روی‌داده است. اگر کسی ادعای تخصیص نیز داشته باشد لازم است تخصیص حداکثری در اینجا رخ‌داده باشد.

## اتخاذ مبنا

در قبال حکم اول باید گفت که اصل بر عدم نسخ است مگر در مواردی که مستند به امر متقنی باشد. و احتمال دوم این است که تخصیص اکثر لازم می‌آید.

### احتمال سوم

احتمال سومی که در این باب می‌تواند داد این است که هرکدام از حکم‌های بیان‌شده در طول آیات گذشته اشاره به یک دوره از پیشرفت اسلامی دارد، یعنی در دوره‌ای که اسلام از قدرت بالاتری برخوردار نبوده یک گروه از احکام مربوط به خود برخوردار بوده و زمانی که به قدرت بیشتری دست‌یافت حکم دیگری پیدا کرد.

### اتخاذ مبنا

این نیز احتمال قوی‌ای است که می‌تواند مطرح شود.

1. **- توبه/29.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- انعام/106.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- توبه/5.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- توبه/29** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- توبه/4.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **- توبه/6.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **- کافرون/6.** [↑](#footnote-ref-7)